

راه احمد جاویدان است!

متن سخنرانی ای در محفل ششمین سالگرد شهادت
رفیق داکتر فیض احمد
(۲۰ نوامبر ۱۹۹۲ ـ ۲۹ عقرب ۱۳۷۱)

راه احمد جاوید ان است !

رفقای زیادی درباره جـوانب متعدد زندگی و خـاطره‌ی رهبر شهید ما صحبت کردند. مـن با توجه به وقت محدود جلسه و تـعـداد زیاد دیگر رفقا کـه میخواهند سخن گوینـد، سعـی میکنم راجع به موقعیت و دیدگاه سازمان ما نسبت به اوضاع ملی و جهانی اشاره‌ای نـمایم که بنظر من انعکاس بارز کار و اثـر ایدئولوژیـك عظیـم احمـد است بر سازمان و یقیناً ضامن استـواری آن در تـوفان های گـذشته، حال و آینـده چه در سطح کشور و چه در سطح بین المللی.

چهـارده سال پـیش زمانیکه نیروهای اخوانـی و غـیره بـه حمایت امپریالیزم امریکا ، فرانـسه، انگلستان، آلمان و غـیره و دولتهای وابسته و مرتجع پاکستان، عربستان و ایران موفق شدند تا بر گرده مقاومت ضد روسی توده های ما جا گیرند، قبل از آنکه به جهات دیگری از به اصطلاح دستاورد یا پـیروزی شان بر تجاوزکاران روسی و رژیم دست نشانده بیندیشند و آنرا بزرگ سازند، از همـان اول ــ با تکیه روی کلك اربابان امپریالیست و مرتجـع شان ــ علیه نیروهای انقلابی ، آن نیرو هایی که عشق به میهن و مردم رنجبرش در سینه های آنها شـعله میکشد، بـه ناسزاگویـی توأم با تهدید های هرزه به گلو دریدن آغاز کردند. البتـه ایـن احزاب خایـن کـه با

سوء استفاده از دین مردم ما میخواهند فاشیزم و تروریزم بی نظیر خود را اعمال دارند، حق داشتند بجای آنکه بر روسها و وطنفروشان پرچمی و خلقی تمرکز دهند، آنچنان جنون آمیز بر نیروهای انقلابی بتازند و از هیچگونه ترور و تخریب بر ضد آنها دریغ نورزند. زیرا آنها خوب میدانستند که آواز و حرف این انقلابیون، ترجمان اصیل و صادق و پیگیر خواستهای خلق محروم ماست که اگر روزی فراگیر شود دیگر در عرصه سیاسی افغانستان جایی برای وجود پرخیانت و شرارت وطنفروشان اخوانی باقی نخواهد ماند؛ زیرا میدانستند که شعار ها و برنامهی انقلابیون هزاران بار بیشتر از موعظه های دروغین و عوامفریبانه و دینفروشانه آنها برای مردم ما جاذبه دارد و این جاذبه را با هیچ شیادی و سوء استفاده رذیلانه از دین مردم، نتوانسته و نخواهند توانست کاهش دهند؛ زیرا میدانستند که زمانی گروه کوچك مشترك اینها با نام "جوانان مسلمان" زیر سایه و غریو لرزاننده جنبش انقلابیون با درفش شعله جاوید، نا دیدنی بود و محو میشد؛ زیرا میدانستند که هنوز خود اینها سر از جنین کثیف مادر و پدر امپریالیست و اخوان بین المللی بیرون نکرده بودند که انقلابیون ما چهره و ماهیت واقعی پرچم و خلق را بمثابه احزابی که در نظر دارند آخرالامر افغانستان را به سوسیال امپریالیزم بفروشند، کاملاً افشا کرده و بنابرین بمثابه اولین، نا سازش پذیرترین و قاطعترین نیروی ضد پرچم و خلق وطنفروش، نزد مردم ما از اعتبار بسیار برخوردارند، زیرا میدانستند که انقلابیون شعلهای از آنگونه مبارزین اند که در ایمان به راه و سازمان و خلق شان از هیچ دشواری و از چهارشقه شدن نمیترسند و ....

پس چه امروز و چه فردا نیرویی که همچون کوهی در برابر آنها بایستد و تا آخر برزمد جز نیروی انقلابیون، انقلابیونی که شعلهی رزم شان را خون شهیدان شان سرکش تر ساخته، نخواهد

بود. همچنین اخوان میدانست که تنور آنها فقط در همین شرایط که سوسیال امپریالیزم و عمالش در کشور ما با بدترین خیانتها و فجایع ، نام علم انقلاب و سوسیالیزم و رهروان جهانی پرولتاریا را بشدت مخدوش و تیره نموده اند، گرم است و بناءً تا این تنور سرد نشده باید بر جنبش انقلابی که دچار مشکلات گوناگون دیگر هم است، یورش برند.

آری اخوان با استفاده از فرصت و با تمام قدرت تروریستی علیه جنبش انقلابی ما حمله آورد. خون تعدادی از بزرگترین شخصیت های جنبش بر زمین ریخته شد. اخوان خاین میخواست راه سهمگیری فعال انقلابیون را در جنگ مقاومت ببندد تا بدینترتیب در واقع هرگونه اثر آنان را در حیات سیاسی میهن ما بزدایند. لیکن این لقمه‌ای نبود که آسان بلعیده شود. این لقمه گلوی اخوان را پاره کرد و دردش را تا آخر با خود خواهد داشت. خروش خون انقلابیون شهید، صدها انقلابی دیگر را به میدان آورد و ایمان راهروان شان را مقاومتر گردانید. ستاره‌ی سرخ انقلابیون پرولتری از فراز میهن اخوان زده‌ی ما. نه اینکه رخت بر نبست بلکه تابانتر چشمک میزند.

مثال حملات فاشیستی باند های اخوان و بخصوص تروریستهای گلبدینی بر سازمان خود ما گویا ترین گواه پایداری و تسلیم ناپذیری جنبش انقلابی در حالت محاصره‌ای چند جانبه است. از آنجائیکه اخوان مشی توده‌ای سازمان را ، شرکت آن را در جنگ مقاومت علیرغم هزارویك دشواری و روحیه پر شور و شکوه آن رزمندگان اسیرش را میدید که زیر شکنجه های حیوانی قرون وسطایی آنها هیچ راز سازمان را از سینه بیرون نمیدهند و تا واپسین نفس به سوگندی که خورده اند وفادار میمانند و بالاخره همین سازمان را میبینند که در خونین ترین نبرد با آنها قرار داشته

و آشتی ناپذیری و قاطعیتش درین میدان نه اینکه ذره‌ای سستی و فتور نمی پذیرد بلکه روز تا روز قدرت و عمق و برندگی کسب میکند• اخوان با ترور رهبران و عده‌ای دیگر از همرزمان پردل و رشید ما مذبوحانه کوشید سازمان را به تسلیم وادارد ولی استقامت و پافشاری سازمان بر راه شهیدان و سوگندی مجدد بنام آنان، دشمن فاشیست را ناامید ساخت• حقیقت اینست که دیگر دشمن اخوانی بخوبی میداند و خوبست بداند و باید بداند که هرچند دنیا بهر گونه‌ای زیر و رو شود و دهها شوروی و چین و غیره ازهم فروبپاشد و امپریالیزم و سگهایش ازین بابت دیوانه وار قوله‌ی شادی سردهند، سازمان رهایی چه بر بنیاد ایدئولوژیش ، چه مبتنی بر رسم و راه مردمش ، چه بنابر منافع توده های بی پناهش و چه بر اساس آتش خاموش نشدنی انتقام از احمد رهبر ما تا محمود سیزده ساله ما که شده، آرام نخواهد نشست• دشمن پلید اینرا هم میداند که پس از هر ضربه‌اش بر سازمان، نخستین مرز شرف و ناشرافتمندی، انقلابی و غیر انقلابی بودن بین اعضای آن با این معیار تعیین شده و میشود: بودن و نبودن تا به آخر در راه انتقام شهداً • آنکه صادق و جانباز درین راه میماند شرافتمند و انقلابیست و آنکه بهر عنوانی و بهانه‌ای به آن پشت میکند قبل از هرچیز شرف و وجدانش را زیر پا میکند•

این واقعیات همه در دل دشمن هراس افکنده که نتیجتاً او را وامیدارد تا آنجائیکه سگ جنگی درون خود شان اجازه دهد نیرویش را بر ضد سازمان متمرکز سازد• سازمان ما افتخار دارد که بین خود و دشمن اینچنین خط فاصلی سرخ کشیده است•

و سرانجام قضاوت مردم هم دیری نپائید• تاریخ زودتر از آنچه انتظار میرفت ثابت کرد که اخوان و در قدم اول حزب گلبدین چگونه در راه قدرت یابی و منافع خود حاضر اند به آسانی از یکسو

خود را بـه دستگاههای سی۰آی۰ای و آی۰اس۰آی و غیره بفروشند و از سوی دیگر آنوقت کـه لازم افتـد با خلـق و پرچـم هماغوشی نمایند۰ و این رسوابی خفت انگیز این فرصت طلبی های خاینانه ی گروههـای مختلف اخوان را مردم ما چـه در عرض سالـهای جنـگ مقاومت و چـه مخصوصاً از سقوط رژیم پوشالی به اینسو به عیان و به شرم آورترین صـورت آن مشاهده کردند۰ اکنون حنای گلبدین و ربانی و امثال شان کـه آنقـدر کاذبانـه علیـه رژیم نامنهاد رجزحوانیهای گوشـخراش سـر میدادند، دیگر نزد مردم ما رنگ ندارد۰ کوس رسوابی بی نظیـر اینـها در سرتاسـر کشـور و جهان نواختـه شـد در حـدی که حامیان امپریالیست و مرتجع آنها نیز از میزان بیسوادی ، جهالت ، بلاهت ، بیکفـایـتی ، قـدرت طلبی وحشتبار، ماهیت ضـد مردمـی و حقارت و بی شخصیتی این مزدوران شان مأیوس و سرافکـنده شدند البته هنوز بنظر نمیرسد که اربابان مذکور اینان را کاملاً عاق کرده و گروههای دیگری را اجیر کنند۰

بهر حال مهم اینست که ستارەی بخت فاشیزم دینی در میهن ما با آنکه بطور کامل افول نکرده اما پدیدار شـدن اولیه اخوان با آنچنانی جنایـت و رذالت تـوأم بوده که اگر حاکمیت سرتـاسریش را تحمیل کند، بدون تردیـد مخالفت و مقاومت وسیع مردم را برخواهد انگیخـت ۰ ایـنها همـه یعنی ایجاد وظیفه و مسئولیت برای جنبـش انقلابی و مشخصاً سازمان ما۰ این یعنی زمینه و بنای خوشبین بودن نسبت به آینـده و پـیروزی راه سـازمان، دل کلیه شهیدان انقلابی پرولتری راه احمد۰

در عرصه بین المللی میبینیم که چنانچه گفتیم امپریالیستها و سگـهای زنجیری آنها و فاشیستهای مـذهبی و غیـر مذهبی و کلـیه ضد مرتجعان ، متلاشی شدن دولت سوسیال امپریالیستی، ضـد کارگـری و بشدت بروکراتـیك و منحط اتحادشوروی و اقمارش را بمثابـه شکسـت

نهایی مارکسیزم و سوسیالیزم در برابر نظام سرمایه داری و بازار آزاد اعلام کردند.

آیا واقعاً سرمایه داری بر سوسیالیزم چیره گشت؟ آیا واقعاً مارکسیزم شکست خورده و بطلانش اثبات گردید؟.

طبعاً نباید پاسخ مسایل مذکور را با چند شعار داد و نه درین فرصت کوتاه میتوان جوانب گوناگون آنها را بررسی کرد تا ثابت شود که حوادث چند سال اخیر نه زمین را از چرخیدن باز مانده و نه امپریالیزم قادر است منبعد رقم زدن تاریخ دنیا را در انحصار گیرد. من میکوشم فقط روی حقایقی جاری در همین لحظه در جهان مکث کنم که چه تحلیل و تجزیه آنها و چه حل واقعی آنها تنها با مارکسیزم میسر است: جنگ سرد بین شاید امریکا و شوروی سابق به پایان رسیده اما نبرد بین قدرتهای بزرگ و کشور های کوچکتر، بین استثمارگر و استثمار شونده ، بین بورژوازی و کارگران و بین خلق ها و امپریالیزم نه اینکه به پایان نرسیده که حدت هم کسب کرده، تشنج و عدم آرامش نه صرفاً در کشور های فقیر جهان سوم بلکه در قلب اروپا و امریکا دامن گسترانده و غیره و غیره.

اولتر از همه در خود امریکا چه خبر است در کشوریکه اینک سرتاسر کره زمین را ملك خود پنداشته و آشکارا کشور ها را به اطاعت از اوامر و نواهی واشنگتن فرا میخواند؟ تعداد بیکاران اکنون سربه ۱۰ ملیون نفر میزند، با بحران اقتصادی کم سابقهای دچار است که بعلت رویداد های اروپای شرق و تکرار کورس "شکست کمونیزم" زیر زده میشود. هرچند روز بعد یکی از بزرگترین شرکتها و مؤسسات مالی آن ورشکست و منحل اعلام میگردد، در امریکا صدها هزار نفر بی خانه بوده و گرسنه میخوابند، میزان جرم و جنایت در آن با کشوری مثلاً چین با بیش از یك بلیون جمعیت قابل مقایسه

نیست، ستم نژادی به فجیع ترین اشکالش وجود دارد، شورش همین چند ماه پیش لاس انجلس در واقع قهر طبقات محروم برضد طبقات حاکم بود و چون ریشه این تضاد باقیست شورشهای خونین تر از آن را شاهد خواهیم بود ... چهره‌ی لکه دار و آلوده‌ی امریکا که جنایات و توطئه های تنها سی.آی.ای آن بر جنایات دستگاههای تمامی کشور های امپریالیستی دیگر پیشی میگیرد، نمیتوانند با نسخه "اقتصاد بازار" ش نزد مردم روسیه و سایر کشورها سفید و پذیرفتنی گردد. امریکا لااقل با این چهره اش نمیتواند از پیروزی بر "کمونیزم" و انقلاب های آزادیخواهانه و ضد استثماری حرف بزند.

بحران پولی اروپا پس از بحران سالهای ۷۰ بیسابقه است، تضادهای بین کشور های بزرگ اروپایی تا کنون مانع هماهنگی آنها برای ایجاد اروپایی متحد گردیده است: گذشته از مسایل ملی، اختلاف نظر و منافع روی مسئله یوگوسلاوی و نیز چگونگی برخورد به امریکا تضاد بین آنها را حاد نگه میدارد، قابل پیشبینی است که تضاد "اروپای متحد" با جاپان و از هر دو با امریکا شدت کسب میکند و نه برعکس؛ فاشیزم و نژادپرستی بطرز خطرناکی در کشور های اروپایی پر و بال میگیرد ؛ روزهای خوش وحدت در آلمان جایش را به کابوسی لرزاننده سپرده است، رسوایی ناشی از فروش اسلحه به عراق اگر مورد تحقیق قرار گیرد دولت انگلستان را مجبور به استعفاء خواهد کرد و مجدداً زد و بند بین قدرت های مختلف امپریالیستی بر ضد کشور های کوچك را برملا خواهد ساخت. تجاوز، زورگویی، استثمار و توطئه های امپریالیستی را مردم کشور ها تنها با مبارزات آزادیخواهانه ضد امپریالیستی به رهبری پرولتاریای آگاه پاسخ داده میتوانند و بس.

انفجار ها در روسیه و سایر کشور های مستقل مشترك المنافع هنوز در راه است که اثر بحران آنها محدود به خود این سرزمین ها

نمانده بلکه مستقیماً کشور های دیگر بخصوص اروپایی را در بر خواهد گرفت. هم اکنون در اولین سالهای بعد از سقوط دولتها و احزاب فاسد بروکراتیك و برقراری مناسبات کامل سرمایه داری درین کشور ها ، مردم مزه وجود پر مصیبت ، نفرت انگیز و حقارتبار مناسبات سرمایه داری و وابسته بودن به امپریالیزم امریکا و غرب را میچشند. نیرو های پرولتری این کشور ها با درسگیری از اشتباهات گذشته و جمعبندی تجربیات شان بار دیگر قد بر خواهند افراشت.

با از بین رفتن اتحاد شوروی ، امپریالیزم قهقهه سر داد ولی حتی درست در همان هنگام صدای گلوله های انقلابیون پیرو و کلمبیا و فلپین و فلسطین و کردستان و ... این قهقهه را در حلقومش خشك نمیکرد ؟

در چندین کشور افریقایی روزانه هزاران نفر از گرسنگی جان میسپارند اما مردم عامل اصلی مرگ تدریجی شان را میدانند که دولتهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیزم آنان است که برای رهیدن از آن راهی جز مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیزم و عمالش وجود ندارد. بسیاری کشور های افریقایی آبستن انقلابهای رهایی بخش اند که کمر ابر قدرت امریکا و متحدینش را خواهد شکست.

مگر اکثر کشور های امریکای لاتین زیر بار سلطه و نفوذ ایالات متحده قرار ندارند؟ آیا تمامی این کشور ها دارای سنن تابناك مبارزه ضد امپریالیستی نیستند؟ آیا هم اکنون انقلابیون مارکسیست پیرو و کلمبیا با توسل به عالیترین شکل مبارزه شعلهٔ امید را در دل مردم این قاره روشن نگه نمیدارند؟ مردم امریکای لاتین بخاطر دست یافتن به رهایی از استثمار و ستم امریکا و عمال بومی آن دیر یا زود راهی جز انقلابیون پیرو و کلمبیا درپیش نخواهند گرفت. و پیشاهنگ این راه جز انقلابیون پرولتری امریکای لاتین نخواهند بود.

مردم کشور ها و مناطق زیادی در آسیا نیز در آتش مداخله و استثمار امپریالیزم میسوزند که نجات از وضع موجود، پیشرفت و شکوفایی آنان بسته به نبرد قاطع آنان علیه امپریالیزم و سگهایش است. یکچنین مبارزاتی هرگز نخواهند توانست بدون الهام و مایه گرفتن از اصول مارکسیستی ـ لنینیستی آغاز شوند یا به پیروزی رسند.

تا زمانیکه امپریالیزم و ارتجاع هست مبارزه علیه آنها و نیل به عدالت اجتماعی هم وجود خواهد داشت. این راه احمد ماست که در میهن ما از ضرورت تاریخی بر میخاسته و بر میخیزد و راه رهبران شهید و احزاب پرولتری کشور های دیگر بوده و خواهد بود که تا طلوع خورشید آزادی و برابری واقعی در آن کشور ها میلونها رنجبر پویایش خواهند بود.

راه احمد جاویدان است!

متن سخنرانی ای در محفل ششمین سالگرد شهادت
رفیق داکتر فیض احمد
(۲۰ نوامبر ۱۹۹۲ ـ ۲۹ عقرب ۱۳۷۱)



سازمان رهایی افغانستان

اگست ۱۹۹۳